

نجات جان مادر

زهرا شکرالهی

مری مرکز آموزش بهورزی
دانشگاه علوم پزشکی اهواز



اهداف آموزشی

امید است بهورزان محترم پس از مطالعه این داستان واقعی به نکات ذیل توجه بیشتری داشته باشند:

- شرح حال دقیق و درست گرفته شود.
- معاینات بالینی دقیق انجام شود.
- در حساس سازی همراهان و بیمار نسبت به مسأله مورد نظر تلاش شود.
- ارجاع و پیگیری بموقع انجام شود.
- ارتباط تنگاتنگ با رابط مادران پرخطر منطقه برقرار شود.

نشده و فقط

درخواست نسخه

داروی پایین آورنده فشار

خون را می کند. ماما متوجه حرکات

لرزشی لب پایین زینب شده و از مقاومت

زینب برای اعزام به بیمارستان متوجه موارد

مشکوک می شود و با توجه به علائم و نشانه‌ها به

اعتیاد نیز شک کرده و سعی می کند برای جلوگیری

از فرار زینب از مطب، اعتماد وی را نسبت به خود جلب

کند؛ لذا ابتدا زینب را به اتفاق خود نزد پزشک عمومی با

تجربه مستقر در ساختمان پزشکان برده و ایشان نیز دستور

اعزام را داده ولی بیمار با التماس از رفتن با آمبولانس سر باز

می زند و فقط اصرار به دریافت نسخه و دارو می کند. به اصرار

بیمار، پزشک عمومی نسخه ای برای زینب نوشته و ماما خودش

با زینب به داروخانه رفته و با هزینه شخصی خود دارو را تهیه

کرده و زینب را راضی می کند تا برای کنترل مجدد فشار خون

به مطب باز گردد و با ارتباطی که با زینب برقرار کرده و جلب

اعتماد وی کم کم به آدرس و وضعیت اجتماعی و فرهنگی و

عادات و... زینب دسترسی پیدا کرده و رابط مادران پرخطر

منطقه را در جریان قرار می دهد. رابط مادران پرخطر بعد

از شنیدن آدرس و اظهار بیمار مبنی بر زندگی در روستا

تعجب کرده و با توجه به شناختی که از بهورز منطقه

دارد با اطمینان می گوید که امکان ندارد مادر

بارداری در روستا تحت مراقبت نباشد. رابط

مادران پرخطر برای زینب از بیمارستان

پذیرش می گیرد ولی زینب به بهانه‌های

مختلف از رفتن سر باز می زند و

در نهایت بعد از دو ساعت

از مطب به سمت

غروب پنجشنبه، زینب، مادر باردار، با شکایت فشار خون بالا و اظهار ناتوانی در پرداخت حق ویزیت به یک مطب خصوصی در شهر اهواز مراجعه می کند. «مامای مطب» متوجه صحبت زینب با منشی مبنی بر ناتوانی در پرداخت حق ویزیت می شود و چون ماما، مری مرکز آموزش بهورزی نیز بوده و با سیستم ارجاع و حساسیت توجه به وضعیت مادر باردار آشناست فوری مداخله کرده و بیمار را می پذیرد.

با توجه به علائم ظاهری بیمار از قبیل ادم عمومی؛ لرزش

لب پایین، برافروختگی، ترس و وحشت از اطرافیان و

کنترل فشار خون وی متوجه حال عمومی بد زینب می شود.

فشارخون زینب پس از ۵ دقیقه استراحت، سیستول ۲۲۰

و دیاستول ۱۲۰ میلی متر جیوه را نشان می دهد. سایز رحم

حدود ۲۰ هفته و صدای قلب جنین نیز ۱۳۸ بار در دقیقه شمارش

شد. ماما به زینب می گوید که باید فوری با آمبولانس به بیمارستان

اعزام شود. زینب با آوردن بهانه‌های مختلف حاضر به رفتن به بیمارستان

خانه

می‌رود.

از این به بعد

رابط مادران پرخطر

و بهورزان منطقه به دنبال

مادر راهی روستا می‌شوند.

بعد از پیگیری‌های مختلف متوجه

می‌شوند که همسر زینب معتاد است

و همسر اولش از وی جدا شده و زینب

همسر صیغه‌ای وی بوده و در حاشیه شهر

ساکن است. بهورزان طی صحبت‌های

فراوان با همسرش آدرس زینب را گرفته و به

دنبال زینب می‌گردند تا وی را با حال بد در منزل

پیدا می‌کنند. فشارخون زینب در منزل گرفته

می‌شود و با آمبولانس به بیمارستان دانشگاهی

منتقل و سریعاً ختم بارداری برای او انجام

می‌شود. با پیگیری‌های ماما و همکاران مرکز

روستایی و معاونت بهداشت؛ مادر از مرگ حتمی

نجات پیدا می‌کند.

نکته‌های قابل اهمیت در این داستان واقعی

* جلب اعتماد بیمار و برقراری ارتباط

موثر با وی

* اخذ شرح حال دقیق از بیمار

* تماس با رابط مادران پرخطر

منطقه

* توجه و پیگیری دقیق

رابط مادران پرخطر

منطقه

به این موضوع امتیاز دهید (۱ تا ۱۰۰)

کد موضوع ۹۹۲۱۱. پیامک ۳۰۰۰۷۲۷۳۱۰۰۱

نحوه امتیاز دهی: امتیاز - شماره مقاله

مثال: اگر امتیاز شما ۸۰ باشد (۸۰ - ۹۹۲۱۱)